



مصاحبه با سردار سر لشکر غلامعلی رشید درباره‌ی عملیات خیبر

مصاحبه گر: حسین اردستانی

راوی مرکز در قرارگاه نجف (سپاه)

<p>عملیات خیبر را که در ۳ اسفند ۱۳۶۲ توسط یگان‌های عملیاتی سپاه پاسداران انجام شد باید در زمره‌ی عملیات‌های مهم با دستاوردها و تجارب نوین در ابعاد گوناگون فرماندهی و مدیریت نظامی، عملیات آفندی، غافل‌گیری، طراحی مانور، تاکتیک‌های نوین، انعطاف‌پذیری در رزم و ... برشمرد. عملیاتی که تحقیق و گفت‌وگو درباره‌ی آن همواره جذاب بوده است. به همین جهت راوی و پژوهش‌گر مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پس از گذشت ۱۱ سال از عملیات فوق، در روز ۱۰ آذر ۱۳۷۳ در گفت‌وگویی یک ساعته با سردار غلامعلی رشید جنبه‌هایی از عملیات خیبر را مورد بررسی و کنکاش قرار داده است. شایان ذکر است نوار این جلسه با شماره‌ی سند ۳۱۶۴۷ و متن پیاده شده آن با شماره‌ی سند ۲۱۱۳۲ در آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه نگهداری می‌شود.</p> <p>کلیدواژه: عملیات خیبر، استراتژی نظامی، تاکتیک، تحول، یگان دریایی، گردان غواص، مهندسی رزمی.</p>	<h3>چکیده</h3>
---	----------------

مقدمه

به خاطر تحکیم مواضع، نقش بازدارنده داشتند و به همین سبب، توانستند در برابر سایر تهاجم‌های ایران که در جبهه‌های جنوب صورت گرفت، ایستادگی نموده و جنگ را برای مدتی به حالت فرسایش و سکون تبدیل کنند.

در این فرایند فرماندهان سپاه برای ایجاد تحول در بن‌بست جبهه‌ها نیازمند آن بودند تا هوشمندانه زمین و تاکتیک جدیدی را برای نبرد با دشمن برگزینند که در نتیجه‌ی آن بتوانند با غافل‌گیری دشمن، ضمن کسب پیروزی و به دست‌گیری ابتکار عمل در جنگ، افق‌ها و امیدهای تازه‌ای را در تداوم رویارویی با نیروهای عراقی در کالبد دولت و جامعه‌ی زنده نمایند. بنابراین پس از ماه‌ها بررسی و تحلیل وضعیت جنگ و خطوط آسیب‌پذیری دشمن در جبهه‌های مختلف، منطقه‌ی هورالعظیم برای انجام عملیات خیبر انتخاب شد. زمینی که، نه دریا تلقی می‌شد و نه خشکی، کوه یا دشت بلکه زمینی بود با آب‌گرفتگی‌های گسترده و وسیع، کم عمق، پوشیده

مروری بر تاریخ جنگ‌ها و نتایج عملیات‌ها این نکته را یادآوری می‌کند که هر برتری نظامی سرانجام در برابر برتری مشابه دیگری که در مقابلش قرار دارد، فروکش می‌کند. بر همین اساس قوای درگیر گاهی موفق و گاهی ناکام شده و شکست می‌خورند. گذشت چهار سال از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران برای هر دو نیروی درگیر دستاوردها و تجارب گرانسنگی داشت. قوای متجاوز عراقی که در سه ماهه آغاز جنگ تحمیلی در برتری کامل نظامی و سرمست از پیروزی به سر می‌بردند در ادامه‌ی جنگ و طی ۲ سال با عملیات‌های پی در پی و حملات گسترده‌ی رزمندگان مواجه شدند* و شکست‌های سنگینی متحمل گشتند. پس از آن دشمن برای حفظ سایر مواضع اشغالی تاکتیک‌های جدید پدافندی - به ویژه در حوزه‌ی مهندسی رزمی اتخاذ کرد که عمدتاً

* عملیات‌های ثامن‌الائمه، فتح‌المبین، بیت‌المقدس و طریق‌القدس است.

امروز، فرصت مغتنمی است که با جنابعالی تأثیر نظامی عملیات خیبر، در روند جنگ، و به ویژه پس از عملیات را مورد بررسی قرار دهیم. این بررسی از دو جنبه مورد نظر است. اول آن که اساساً جرقه‌ی ذهنی انتخاب منطقه‌ی هور برای عملیات از سوی چه کسی انجام گرفت و جنبه‌ی تاکتیکی آن در انتخاب زمین منطقه، طرح‌ریزی‌های مانور، آموزش‌ها یا نوع سلاح‌ها و غیره چه بوده است؟ مسأله‌ی دوم این که عملیات خیبر چه تأثیری بر استراتژی نظامی ایران و عراق - از سال ۱۳۶۲ به بعد- داشته است؟

سردار غلامعلی رشید: عملیات خیبر جرقه‌ای بود که در ذهن فرمانده کل سپاه در (حین) عملیات والفجر مقدماتی ایجاد شد. یک جرقه خیلی کوچک که احساس می‌شد می‌تواند در عملیات والفجر مقدماتی برای شکستن خطوط پدافندی دشمن در جزایه، مفید بوده و در نتیجه یک مقداری از هور کمک گرفته شود. یعنی از جناح جنوبی دشمن در حد یک گردان، از داخل هور استفاده شده، روی خشکی جزایه به پل غزلیه آمده و پیاده شود. یادم هست فرمانده کل سپاه به من و شهید باقری و شهید بقایی مأموریت داد برویم آن‌جا را بررسی کنیم. ما هم رفتیم پیش برادرمان آقای علی هاشمی و هور را دیدیم. سوار قایق شدیم و به منطقه‌ی آب گرفتگی بدون نینار رفتیم. قضاوتی هم که در آن‌جا کردیم، گفتیم [انجام عملیات در این منطقه] خیلی سخت و مشکل است اما در حد یک گردان می‌شود عملیات کرد. ولی معلوم بود که فرمانده سپاه دارد در مورد این منطقه فکر می‌کند. بعد ایشان در طول سال ۱۳۶۲، به این نتیجه رسید که این‌جا عمل کند.

از سویی ما در سال ۱۳۶۲، برای رهایی از بن‌بستی که در جنگ به وجود آمده بود، به این عملیات متوسل شدیم. یعنی بعد از عملیات ثامن‌الائمه و آن عملیات‌های چهار گانه، جنگ یک روند خیلی سهل و ساده‌ای به خود گرفته بود و ما در عملیات رمضان موفق نشدیم، و به اهدافمان دست پیدا نکردیم ولی

از نینار و بعضاً با تلافی که حتی شناورهای سنگین و واحدهای زرهی (تانک) قادر به تردد در آن نبودند. زمینی با ویژگی‌های منحصر به فرد که طرح مانور عملیات و تاکتیک‌های بدیعی را برای جنگیدن در آن باید برنامه‌ریزی می‌کردند.

با عنایت به مطالب فوق راوی و پژوهش‌گر مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سال‌ها پس از آن نبرد تحسین برانگیز - که باید به نوعی آن را رقابت اراده‌ها در تقابل با ماشین جنگی دشمن و نیز نقطه‌ی عطف مهم و تحول‌آفرین در سازمان سپاه و جنگ دانست - در گفت‌وگو با سردار غلامعلی رشید* به تجزیه و تحلیل آن عملیات پرداخته است. نوشتار زیر متن پیاده شده‌ی مصاحبه است. سؤالات زیر محورهای مصاحبه را تشکیل داده است:

۱. اولین جرقه ذهنی برای انتخاب منطقه (هورالعظیم) توسط چه فرمانده‌ای شکل گرفت؟
۲. انگیزه و عوامل اصلی برای انتخاب منطقه هور بر چه مبنایی استوار بود؟
۳. عملیات خیبر چه نقش و تأثیری در استراتژی نظامی و حوزه‌ی تاکتیکی بر جا گذاشت؟
۴. شاخص‌های مهم عملیات خیبر چه هستند و آیا می‌توان در زمره‌ی عملیات‌های تحول‌آفرین از آن یاد کرد؟
۵. وجه تمایز واکنش دشمن در عملیات خیبر در مقایسه با عملیات‌های گذشته (نظیر عملیات ثامن‌الائمه، فتح‌المبین، بیت‌المقدس و...) چگونه بود؟
۶. عملیات خیبر برای سازمان سپاه و روند جنگ چه دستاوردهای در پی داشت؟

سابقه ذهنی طرح عملیات خیبر و علل و انگیزه‌های انجام آن

حسین اردستانی: بسم الله الرحمن الرحيم، جلسه

* سردار غلامعلی رشید در زمان انجام عملیات خیبر مسئولیت معاون عملیات قرارگاه نجف بوده است.

شده بود، چون در عملیات رمضان توانسته بود روند سابق را یکبار متوقف کند. البته اگر ما می‌خواستیم روند جنگ را به شکل سابق پیش ببریم، زمین‌هایی که داشتیم زمین‌های محدود بودند. ما عمدتاً در خوزستان می‌جنگیدیم و در خاک مقابل (آن) که استان بصره باشد، دنبال هدف می‌گشتیم. ممکن بود یک کسی می‌آمد و می‌گفت، شما بروید دنبال اهداف دیگری بگردید، ولی ما گفتیم آن‌ها اهداف ارزشمندی نبودند.

هدف آقا محسن (رضایی) جزایر نبود، شرق دجله نبود، حتی شرق بصره هم نبود، که مثلاً همین طلائییه را برویم تا نشوه. باز هم این‌ها مدنظر ایشان نبود. آقا محسن این طمع را کرده بود و واقعاً طمع داشت. ایشان می‌گفت که ما به آن طرف (غرب) دجله و آن طرف شط‌العرب دست پیدا کنیم چون وقتی روی عکس هوایی نگاه می‌کرد، می‌دید در آن زمین باریک، تمام عقبه‌های دشمن آن‌جا ست. تمام قرارگاه‌های لشکری، قرارگاه سپاه سوم، واحدهای احتیاط، پشتیبانی‌هایشان، مراکز مخابراتشان، می‌شود گفت سیستم فرماندهی و کنترل دشمن به طور کامل در آن باریکه بود. می‌گفت: «اگر ما دست به این پیدا کنیم دیگر تمام است. دیگر کسی (دشمن) مگر می‌تواند در کوشک بچنگد. اصلاً نمی‌جنگد. نتیجه‌اش این که شلمچه رها می‌شود.» کوشک رها می‌شود، آقا محسن (رضایی) معتقد بود اگر ما به آن‌جا دست پیدا کنیم، به جای خلوت دشمن که حریم او است دسترسی پیدا کرده‌ایم. [غرب دجله] مثل پستوی خانه‌اش است که تمام امکانات و وسایلش را گذاشته آن‌جا و بعد با آرامش نشسته و جبهه‌ی شلمچه، جبهه‌ی کوشک و جبهه‌ی طلائییه را فرماندهی می‌کند. آقا محسن مدام دنبال این بود و می‌گفت ما می‌رویم این‌جا، یعنی روی مرحله‌ی دوم فکر می‌کرد. اعتقاد داشت که ما از القرنه سرازیر می‌شویم روی منطقه‌ی دو طرف. جاده‌ای که از

نمی‌فهمیدیم که علت واقعی مسأله چیست؟ مثلاً در سراسر سال ۱۳۶۱، یعنی بعد از عملیات خرمشهر و بعد از آن که در عملیات رمضان ناموفق ماندیم. از تیر یا مرداد ۱۳۶۱ تلاش می‌کردیم که مجدداً بر دشمن برتری پیدا کنیم و جنگ را به شکل سال ۱۳۶۰ و آغاز سال ۱۳۶۱ پیش ببریم و می‌شود گفت تمام آن تلاش‌هایی را هم که انجام دادیم، در نیمه سال ۱۳۶۲ به منطقه والفجر ۴ رفتیم یا همین‌طور در طی عملیات والفجر ۲ و والفجر ۳ در آغاز سال ۱۳۶۲، کلاً در حال تأمل و اندیشیدن به سر می‌بردیم. در واقع ما چون می‌خواستیم جبهه‌ها حالت راکد به خود نگیرد، هر جا که امکان داشت، یک عملیات محدود انجام می‌دادیم ولی قطعاً ذهن مسئولین جنگ، خصوصاً سردار محسن رضایی معطوف به این نکته بود که باید بالاخره یک اقدام بزرگ مثل عملیات بیت‌المقدس انجام بگیرد و طبیعت آن عملیات‌ها هم به شکلی بود که هر گامی که برمی‌داشتیم گام بعدی چندین برابر گام قبلی بود و انتظار مردم و نیز خود فرماندهان این بود که گام بعد از بیت‌المقدس گام خیلی بزرگ‌تر از بیت‌المقدس باشد که همین عملیات رمضان بود، ولی موفق نشد. به اعتقاد من در والفجر مقدماتی هم رزمندگان و فرماندهان می‌خواستند گامی را بردارند که بزرگ‌تر از بیت‌المقدس باشد. این عملیات‌ها که موفق نشد، نشان داد که تاکتیک‌های قبلی ما [برای دشمن] شناخته شده است و دیگر امکان ندارد مثل عملیات‌های فتح‌المبین، بیت‌المقدس و طریق‌القدس از همان تاکتیک‌های نیمه‌ی دوم سال ۱۳۶۰ تا نیمه‌ی اول سال ۱۳۶۱ استفاده کنیم. دشمن این تاکتیک‌های ما را شناخته و روی آن‌ها مطالعه کرده بود و ضعف‌های خود را بر طرف کرده و با مقابله در عملیات رمضان برای خودش هم اثبات شد که می‌تواند جلوی این موج عظیمی که [از سوی ایران] شروع شده را بگیرد و خیلی هم خوشحال و مغرور

می‌شود گفت یک دریاچه است منتها با عمق کم یعنی حدود سه تا پنج متر و با خشکی‌های خیلی محدودی که در این دریاچه بود. خوب چرا این‌جا برای جنگ انتخاب شد؟ این نشان می‌دهد کسی که این منطقه را انتخاب کرده، یک فکری در ذهنش بوده و آن فکر فرار از نقطه قوت‌های دشمن بوده است. حالا ممکن است بعضی از ارتش‌های دنیا یا بعضی از کشورها، در روند یک جنگی به یک بن‌بستی برسند و به این فکر بیفتند که آن را حل کنند و لذا دنبال تجهیزات می‌روند. مثلاً بررسی می‌کنند قوت‌های دشمن چیست؟ تانک است. قدرت زرهی اش است. تحرکش است. خوب دنبال تانک می‌روند. مثلاً بعضی از ارتش‌های دیگر اگر به جای ما بودند، بعد از رمضان تا خیبر ولو خیبر و بدر را هم انجام نمی‌داند، ولی می‌رفتند دو سه هزار دستگاه تانک می‌خریدند، دو سه هزار دستگاه نفربر می‌خریدند، واحدهای مکانیزه و زرهی خود را قوی می‌کردند و یا پشتیبانی هوایی را تقویت می‌کردند و دوباره در همان منطقه رمضان با دشمن خودشان می‌جنگیدند. یعنی کار را اینجوری حل می‌کردند و هرگز سراغ منطقه‌ای [مثل هور] و آن دریاچه نمی‌رفتند یا چه بسا به سراغ منطقه فاو یا [عملیات] بدر که دوباره در همان زمین خیبر اتفاق افتاد، نمی‌رفتند. بلکه می‌رفتند و ضعف‌هایشان را از راه طبیعی‌اش حل می‌کردند. ولی ما چون آن امکان مالی و پولی را در اختیار نداشتیم و نظام هم چون پول نداشت، هرگز حاضر نمی‌شد بیاید این‌طوری خرج کند. لذا رزمندگان ما مظلومانه رفتند، یک جایی که دشمن نتواند از قوت‌هایش استفاده کند، به همین خاطر هور را برای عملیات انتخاب کردند. [ما معتقد بودیم] دشمن نمی‌تواند بیاید در زمین هور بجنگد، آخر چه طور بجنگد؟ تانکش چه طور در غرب دجله، در جزایر مجنون می‌تواند مانور بدهد؟ نمی‌تواند بیاید این‌جا بجنگد. اتفاقاً ما از وحشت یگان‌های آزاد و متحرکش فرار کردیم به این‌جا

عمار به بصره می‌رود. دو طرف این جاده در غرب شط‌العرب، پر از قرارگاه بود. من نمی‌دانم شما دیده بودید یا نه؟ ما که به عکس هوایی نگاه می‌کردیم، پر بود. در صورتی که زمین این طرف منطقه ما وسیع بود. یعنی اطراف جاده‌ی اهواز - خرمشهر، خیلی زمین وسیعی بود. یک یگان رفته بود کنار کارون، یکی رفته بود داخل انرژری اتمی یک... چون زمین وسیع بود، پراکنده شده بودند. اما حالا اگر ما هم مثلاً متکی بودیم به شش، هفت کیلومتر این طرف و آن طرف جاده، همه چیز ما هم اطراف جاده می‌بود. [و کلی مشکلات ایجاد می‌کرد].

عراقی‌ها چون زمین‌شان محدود بود، نمی‌توانستند به راحتی در این طرف رودخانه پهن شوند یا آن طرف چون زمین وسیعی نداشتند. مثلاً تا نجف یا کربلا باز شوند، چون هور بود و ناچار بودند هر آنچه دارند در این باریکه جمع کنند. آقا محسن به این نکته خیلی دقت می‌کرد، می‌گفت اگر به این‌جا دست پیدا کنیم، قضیه تمام است. ما اگر به

آن‌جا برسیم و هفت، هشت گردان همین‌طور در این قرارگاه‌ها و این عقبه‌ها راه بروند، فرماندهی عراقی را مختل کنند، ما جنگ را برده‌ایم و دیگر لازم نیست بصره را بگیریم و بصره خود به خود سقوط می‌کند. چون دیگر کسی نیست تا از آن حمایت کند. ایشان چنین فکری داشت.

در واقع با گذشت یک دوره رکود که پس از عملیات رمضان حاکم شد آمدیم زمینی را انتخاب کردیم که عملیات خیبر در آن واقع شد. زمینی که با زمین و مناطقی که دو سال در آن‌ها می‌جنگیدیم کاملاً متفاوت بود. زیرا زمینی را انتخاب کردیم که یک دریاچه بود. واقعاً در مباحث جغرافیا و زمین

هدف آقا محسن (رضایی) جزایر نبود، شرق دجله نبود، حتی شرق بصره هم نبود، آقا محسن این طمع را کرده بود که ما به آن طرف (غرب) دجله و آن طرف شط‌العرب دست پیدا کنیم



برادر غلامعلی رشید داخل بالگرد جهت بازدید از جزیره مجنون؛ ۱۳۶۲/۱۲/۰۵

(هور) آمدیم. چون می دانستیم نیروهای ارتش (که همزمان با عملیات سپاه در هور) در زید می جنگند و احتیاطهای ارتش (عراق) آنجا سراغشان می روند و با آنها می جنگند.

انتخاب زمین هور برای انجام عملیات خیبر تاکتیکهای بسیار زیادی را می طلبد زیرا یک عملیات آبی - خاکی به تمام معنی بود که قطعاً عملیاتهای بعدی، ما از تأثیرات تاکتیکی آن به عنوان تجربه استفاده می کرد. به خصوص که عبور از آب

۱۳۶۳، فاو در سال ۱۳۶۴، کربلای ۴ و حتی مقداری هم کربلای ۵ در سال ۱۳۶۵ متأثر از آن بودند. اگر ما عملیات خیبر را با آن تاکتیکهای ویژه اش که جنگ در آب بود، نمی داشتیم، به جرأت می توان گفت که ما در فاو موفق نمی شدیم، چون تجربه ای نداشتیم. در حالی که وقتی ما به منطقه ی عملیات بدر و فاو آمدیم، تجربه خیبر را با خود داشتیم. حالا شاید مدت هشت سال جنگ را هم که مرور کنیم، بعضی از عملیاتها سرآغاز عملیاتهای دیگر واقع شده اند. مثلاً می شود گفت ثامن الائمه واقعاً سرآغاز عملیاتها بوده، یعنی بروز جرأت برای طراحی عملیاتی وسیع و با آن وسعتی که به هر حال تا آن زمان نظیرش را نداشتیم. یعنی تحول به این مفهوم که فرماندهی در آن شرایط تصمیم گرفته، عملیاتی به این بزرگی را انجام بدهد و وقتی موفق می شود، مشاهده می کنیم که روند جنگ یک شتابی به خود می گیرد. از همین جهت عملیات طریق القدس به دنبال عملیات ثامن الائمه انجام گرفت و از همان تجارب و همان تاکتیکها استفاده شد تا این که این تاکتیک در (عملیات) رمضان متوقف شد.

تاکتیک ویژه می خواست. منتها باز اگر یک ارتش مثل ارتشهای متعارف دنیا بخواهد از یک جایی مثل دریاچه ی هورالهیوزه استفاده کند باز به فکر وسایل مکانیزه می رود، نه قایق. یعنی می رود دنبال یک تعداد نفربر درست و حسابی که بتواند از داخل آب عبور کند، حالا چه نفربر شناور، چه نفربر خشکی. ولی قطعاً نمی آید روی قایق فکر کند، بلکه می رود همین نفربرهای مثلاً روسی و امریکایی و این نفربرهایی که در دنیا وجود دارد و از رودخانه ها و مناطق آب گرفتگی عبور می کنند، سراغ آنها می روند و دو، سه هزار دستگاه از آنها را می خرند و می آورند و با آنها می جنگند.

"ثامن الائمه و خیبر؛ عملیاتهای تحول آفرین"

وقتی این فکر [از سوی آقا محسن (رضایی)] به عنوان عملیات تبلور پیدا کرد، گفت عملیات در هور زمینه ساز یک تحول جدید در جنگ است. یعنی هم تحول در تاکتیک و هم تحول در استراتژی جنگ. به عبارتی اولین عملیات در هور (عملیات خیبر) سرآغاز تحولی شد که عمیات بدر در سال

ایجاد کرده، چه قدر کار کرده، چه قدر زحمت کشیده، چه قدر آدم پای کار آورده و چه قدر به خودشان سختی دادند، تا راه و روش خودشان را عوض کنند. خوب این‌ها [یگان‌های سپاه] در منطقه خاکی می‌جنگیدند، روی یک زمین سفت می‌جنگیدند. حالا یکبار به باید در مدت زمانی بسیار بسیار کم بیایند و روی قایق سرمایه‌گذاری کنند. آن‌هم به دلیل رعایت اصل غافل‌گیری که واقعاً پرداختن به این اصل در حد مطلوبش در جنگ اگر بخواهیم نمره بدهیم، خیبر نمره اول را می‌آورد که چه قدر تلاش شد و چه راه‌هایی اتخاذ شد تا این غافل‌گیری رعایت شود و خود آن هم تاکتیک‌های مختلفی را به کار گرفتند تا این غافل‌گیری رعایت شد. البته موضوع رعایت این اصل، ما را محدود کرده بود. چون ما نمی‌دانستیم که از یک سال قبل به یگان‌های مان بگوییم، آقا! قرار است ما در منطقه‌ای به نام خیبر بجنگیم، حالا تو بیا و برو به بوشهر یا ماهشهر یا یک جایی کنار رودخانه‌ای چهارصد، پانصد فروند قایق هم بگیر، آموزش بده و یگان‌ها را مجهز کن. نه. این کار صورت نگرفت. بلکه به دلیل همان گرفتاری که در بحث حفاظت داشتیم، مأموریت یگان‌ها را دفعتاً ابلاغ کردیم. یعنی واقعاً [از زمان ابلاغ تا آغاز عملیات] یک ماه هم نشد.

حسین اردستانی: البته بعد از آقا محسن [رضایی]، چند نفر از قرارگاه نصرت کم‌کم در جریان منطقه‌ی عملیاتی قرار گرفتند.

سردار غلامعلی رشید: بله، فرمانده قرارگاه‌ها چهل و هفت، هشت روز قبل از عملیات مطلع شدند ولی به فرمانده لشکرها در ذهنم است که بیست و هشت، بیست و نه روز قبل از عملیات ابلاغ شد. یعنی فرمانده قرارگاه‌ها به لشکرها گفته بودند فعلاً نیایید و در خط پدافندی‌شان مثلاً در غرب بمانید. حالا واقعاً یک لشکر ظرف یک ماه چگونه می‌تواند بیاید در یک زمین این‌جوری بجنگد. این

انعطاف‌پذیری در تاکتیک و توان‌مندی در به کارگیری امکانات ابتدایی:

از نکات جالب عملیات خیبر به لحاظ تاکتیکی این است که باز ما آمدیم، راه‌های تاکتیکی خاصی را ابداع کردیم. یعنی رفتن در این آب، خودش یک ابتکار بود. خوب حالا می‌آییم و می‌خواهیم در این منطقه بجنگیم. بالاخره تاکتیک متعارف به ما حکم می‌کند که بیاییم از وسایل مکانیزه استفاده کنیم. وسایل مکانیزه‌ی مخصوص این آب که در دنیا هست و ساخته‌اند. ولی ما به دلیل همان گرفتاری مالی [و تحریم‌های تسلیحاتی] که داشتیم نمی‌توانستیم از چنین تجهیزاتی استفاده کنیم و صرفاً از همین قایق‌های ماهیگیری و قایق‌های تفریحی معمولی استفاده می‌کنیم. این‌ها همه حسن و قدرت این نیرو و این رزمنده‌ها را می‌رساند. طوری که مایوس نمی‌شوند و این مانع‌های عظیم موجب نمی‌شود که بگویند دیگر نمی‌شود جنگید. بلکه مرتباً فکر می‌کنند و یک راه حل می‌دهند که یکی از آن‌ها ساختن قایق عاشورا بوده

است. قایق‌هایی که از روی قایق‌های قاچاقچی‌ها که در خلیج فارس تردد می‌کردند، الگوبرداری شد. بنابراین از مرز موانع گذشتن، هر کدام یک تاکتیک خاص است. یعنی استفاده از قایق ساده به جای مکانیزه، خودش یک تاکتیک است. در واقع می‌شود گفت یکی از تأثیرات تاکتیکی عملیات خیبر مجهز شدن تمام یگان‌های سپاه به سازمان واحدهای دریایی بود. حالا این را من خیلی ساده عرض می‌کنم، ولی خوب خدا وکیلی باید دید آن لشکر و یگانی که آمده این واحد را در خودش

رزمندگان جایی را در
هورالهیوزه انتخاب کردند که
دشمن نتواند از قوت‌هایش
استفاده کند

عملیات خیبر: تغییر در تاکتیک یا تغییر در استراتژی؟

اگر ما عملیات خیبر را نداشتیم عملیات‌های بعدی را به آن شکل مطلوب نمی‌توانستیم انجام دهیم. خوب نکات زیادی در این هست. حالا تأثیر استراتژی که می‌گویید من نمی‌دانم چی در ذهن شماست. اگر شما استراتژی را متکی بر هدف بگیرید، استراتژی جنگ، در خیبر و بدر تغییر نکرد. شما در آن جلسات (تدوین استراتژی جنگ تحمیلی) بودید یا نبودید؟

حسین اردستانی: نه. از آن‌جا که استراتژی دارای سطوح مختلف است، یکی استراتژی در سطح هدف در داخل یک نظام سیاسی، یکی در سطح عمل برای رسیدن به آن هدف و یا استراتژی عملیاتی.

آیا می‌توانیم بگوییم، استراتژی عملیاتی ما با خیبر تغییر کرده است؟

سردار غلامعلی رشید:

تاکتیک‌های ما تغییر کرده و الا آن استراتژی که ما به عنوان یک هدف در جنوب به دنبالش بودیم تغییر نکرد. یعنی وقتی شما در خیبر بحث‌ها را دنبال می‌کنید ما نهایتاً به دنبال این هستیم که به بصره برویم. خوب در رمضان هم

هدف بصره بوده، در کربلا ۵ هم هدف بصره بود، در کربلا ۴ هم هدف بصره است.

حسین اردستانی: در فاو چی؟

سردار غلامعلی رشید: عملیات فاو به تنهایی که چیزی را حل نمی‌کرد. باید از دستاوردهای بعدش استفاده می‌کردیم. بله عملیات فاو برای یک سال، برای یک عملیات، یک هدف مستقل بود اما بعد [از این فاو] می‌خواستی چه کنی؟ از این فاو باید استفاده می‌کردیم. حالا غیر از بحث فاو، شما از عملیات رمضان تا کربلا ۵ هر چه تلاش کردید

یعنی تحول ایجاد کردن برای یک لشکر سپاه. علاوه بر این، نکات خیلی زیادی در عملیات است که باید شکافته بشود. شما از من نخواهید مثلاً بگویم تاکتیک غواصی چه بود. یعنی می‌شود گفت ما وقتی به فاو آمدیم، دیگر به راحتی پدیده‌ای به نام غواص را می‌پذیریم و برای ما خیلی ساده می‌شود که یک دفعه دو هزار غواص را آماده کنیم و این متأثر از خیبر است. اگر ما خیبر را نمی‌داشتیم واقعاً برای ما به لحاظ تفکر و به لحاظ پذیرش بسیار سخت بود که فرماندهی به ما بگوید، این جا دو هزار غواص می‌خواهد و ما بگوییم این که مشکلی ندارد. این خیبر بود که تمام این پیچیدگی‌ها را برای ما ساده کرده بود. عملیات فاو چه قدر پیچیدگی داشت، عملیات بدر چه قدر پیچیدگی داشت [عملیات در این مناطق به خاطر آن که] این‌ها را ما در خیبر یک بار تجربه کرده بودیم، آسان انجام شد.

حسین اردستانی: پس عملیات خیبر یک زیرسازی برای ادامه‌ی جنگ بود. یک خمیرمایه و پایه‌ای برای عملیات‌های بعدی شد و بهره‌گیری از [گردان] غواص از عملیات بدر، محصول تجربه عملیات خیبر است که ما می‌بینیم از آن استفاده می‌شود.

سردار غلامعلی رشید: بله، دقیقاً همین‌طور است. منتها در خیبر با شتاب و عجله‌ی زیادی که داشتیم، به خیلی از مسائل در حد مطلوبش نرسیدیم. مثلاً ما جزء برآوردهایمان ۲۰۰۰ فروند قایق بود که به آن نرسیده بودیم و ۴۵۰ تا ۵۰۰ فروند قایق آماده شد. حالا واقعاً یا مملکت یا سیستم پشتیبانی سپاه نتوانست این را هضم کند که به ۲۰۰۰ فروند برساند. همچنین به غواص نیاز داشتیم، اما به یک باره نتوانستیم با پدیده غواص - مثل آن‌چه در فاو آماده کردیم - روبرو شویم. بالاخره پشتیبانی‌های انجام شده در عملیات خیبر برای هجوم اولیه کافی نبود و باید با همان تعداد قایق‌ها عملیات را تداوم می‌دادیم.

انتخاب زمین هور - برای انجام عملیات خیبر - تاکتیک‌های بسیار زیادی را می‌طلبید زیرا یک عملیات آبی - خاکی به تمام معنا بود که قطعاً عملیات‌های بعدی ما از تأثیرات تاکتیکی آن به عنوان تجربه استفاده کرد.

بیشتر متکی بر ابعاد نظامی قضیه است. یعنی منابع را اگر از سپاه استفاده کردی، می شود کل توان سپاه. اگر ارتش بود، می شود کل ارتش. اگر هر دو آمدند، منابع ارتش و سپاه می شود. در این نکته که ما مثلاً در عملیات خیبر بر خلاف عملیات رمضان آمدیم، بیش از نود درصد متکی بر امکانات سپاه جنگیدیم، می شود گفت این یک تغییر در منابع است اما یک تغییر در روش ها هم داریم که ما بالاخره در این جا آمدیم از روش های خاص جنگی استفاده کردیم که مثل روش های معمولی و متعارف در عملیات رمضان و عملیات بیت المقدس نبوده این هم یک تغییر است، اما هدف تغییر نکرده هدف همچنان بصره است. منتها آمدیم از این بالاتر استفاده کنیم، یعنی تغییر در منابع و تغییر در روش وجود دارد اما تغییر در هدف نیست ولی چون یک پدیده جدید است و یک تحولی در جنگ ایجاد کرده می شود گفت یک تغییر عمده است ولی نمی شود قضاوت کرد که به لحاظ استراتژی، جنگ تغییر کرده. البته توجه داشته باشید استراتژی عملیاتی ما در سال ۱۳۶۶ تغییر کرد چون به شمال غرب رفتیم و این یک تغییر عمده است. یعنی هدفت را اصلاً جای دیگر قرار دادی و نیز روش های کار و منابعی که مورد استفاده قرار دادیم. همه چیز تغییر کرد. ولی در عملیات خیبر نه.

در بحث استراتژی ما روی سه نکته تأکید می کردیم. می گفتیم: استراتژی که تغییر می کند باید این سه وضعیت هم تغییر کند: هدف، روش های تاکتیکی و منابع. معتقد بودیم هر جا این ها تغییر کرده در آن جا استراتژی ما هم تغییر کرده است. در این مقاطع جنگ، می شود گفت والفجر مقدماتی و والفجر یک در هدف های ما یک تغییر بوده است. یعنی ما آن جا دیگر دنبال بصره که نبودیم، حداکثر دنبال عماره بودیم. پس می شود گفت هدف تغییر

برای بصره بوده، خوب این را نمی شود گفت که استراتژی ما تغییر کرده است.

حسین اردستانی: تغییر نکرده، ولی آقای رشید! به نظر من دو هدف در استراتژی ما بوده، یکی بصره، یکی پیروزی. چون به هر حال ما که نمی خواستیم با فتح نظامی مسأله جنگ را حل کنیم.
سردار غلامعلی رشید: بالاخره این پیروزی را که نمی شود در هوا به دست آورد.

حسین اردستانی: عیبی ندارد! اگر این تعریف را کردیم، فاو در این تعریف جا می گیرد. یعنی پیروزی و عملیات پیروز سرنوشت ساز و عملیاتی که دسترسی به بصره را تسهیل کند و یا منجر به تصرف بصره شود. البته من روی این کار تخصصی نکردم و این را تحقیقی نمی گویم. فقط می خواهم شما بگویید، آیا استراتژی عملیاتی ما با استراتژی جنگی ما دو تا است؟ ما استراتژی جنگ مان بصره است، در شمال، کرکوک است و در جبهه ی مرکزی به عنوان یک هدف ذهنی و کلان و بسیار دست نیافتنی تصرف بغداد است. ولی استراتژی

عملیاتی که برای رسیدن به آن هدف ها اتخاذ می کنیم، چگونه است؟

سردار غلامعلی رشید: البته به صورت تئوری بین این ها فرق قائل می شوند، ولی در عمل آن طوری که ما بپذیریم و کاملاً این بحث را درک کنیم، بین این دو خیلی تفاوت نیست. فقط از این جهت می شود گفت، استراتژی نظامی با استراتژی عملیاتی فرق دارد، منابعی که در استراتژی نظامی هست، مربوط به کل مملکت است ولی منابع در استراتژی عملیاتی

حسین اردستانی:

ما در والفجر ۸ از جهت
غافل گیری خیلی پیچیده تر
شدیم و مبدا غافل گیری در
جنگ هم خیبر است.

روحي - روانی در خیبر هست، که می‌شود به آن اشاره کرد و این ارزش را دارد. ببینید بالاخره ما خود را جای دشمن بگذاریم. دشمن عزم و اراده ما را خیلی عجیب می‌بیند. می‌گوید: بین! این‌ها چه عجوبه‌هایی هستند، حالا که احساس کردند در زمین خشک و خالی نمی‌شود جنگید، آمده‌اند این‌جا [هور] بجنگند. من یادم است یکی از بچه‌های قرارگاه نصرت یا شاید یکی از منابع آن‌ها می‌گفت: در العزیر به آرایشگاهی رفتم تا سرم را اصلاح کنم. در آن‌جا یک مجله را دیدم که فرمانده سپاه سوم یا چهارم عراق صحبت کرده و گفته بود: «ایرانی‌ها در این عملیات [خیبر] شجاعت عجیبی از خودشان نشان دادند، ولی به فکر پشتیبانی نبودند. شجاعانه

جنگیدند، ولی فکر پشتیبانی را نکرده بودند.»

حسین اردستانی: اتفاقاً در بحث بازتاب سیاسی - نظامی عملیات خیبر، من یک جمله از ماهر عبدالرشید آورده‌ام که می‌گوید: «ما همه ایرانی‌ها را پس زدیم، ولی آن‌ها به محض این‌که نیرو جمع کنند، دوباره حمله می‌کنند.» در واکنش عراق به این نکته اشاره کردم که مهم‌ترین بازتاب عملیات

نزد رژیم عراق و فرماندهانش این باور بود که با این ابتکار و نبوغ چه باید بکنیم. چیزی که پایان ندارد و هر لحظه ما را با مسأله جدیدی مواجه می‌کند.

سردار غلامعلی رشید: بله، حالا به لحاظ روانی هم، دشمن می‌بُرد. ما هم وقتی در پاتک‌های [پی‌درپی] عراقی‌ها یک اصراری می‌دیدیم، می‌بریدیم و می‌گفتیم این‌جا عجب نفسی دارند! رها نمی‌کنند! یعنی واقعاً می‌بریدیم.

حسین اردستانی: همه از پاتک‌های عراق نگران بودیم.

کرده است. فاو را باز به عنوان یک تغییر استراتژی پذیرفتیم چون بالاخره هدفش یک جای دیگر بوده، یا مثلاً حالا عملیات‌های سال ۱۳۶۶ در شمال غرب. حالا در بعضی از عملیات‌ها ما [سپاه] با ارتش کار کردیم بعضی‌ها را تنها و بعضی جاها هم مثلاً ارتش خودش تنها بود. شما در خیبر، تغییر در روش‌ها را به طور کامل می‌بینید. تغییر در منابع را هم می‌بینید. حالا ممکن است بگویند، نه! ارتشی‌ها هم با شما همکاری کردند. ولی باید توجه داشت که بنای فرماندهی این بود که عملیات سپاه یک عملیات مستقل باشد.

حسین اردستانی: اصول حفاظتی در چنین عملیات وسیعی چگونه بود؟

سردار غلامعلی رشید: در مورد انتخاب منطقه‌ی عملیات بنا را بر این گذاشتیم که به هیچ‌کس نگوئیم که ما کجا می‌خواهیم بجنگیم، آقا محسن خیلی روی این تأکید داشت. شرطی هم که ایشان گذاشت و رفت پیش آیت‌ا... خامنه‌ای، خواهش کرد گفت: «این عملیات بین من، شما و امام^(ع) و آقای هاشمی بماند و به کس دیگر نگوئیم.» فرمانده سپاه در خواست کرد که به ارتش هم گفته نشود. ولی آیت‌ا... خامنه‌ای تصریح کرد که صیادشیرازی به عنوان فرمانده نیروی زمینی ارتش حتماً بداند. یعنی فقط ایشان بداند. خوب [منطقی به نظر می‌رسید چون] نمی‌شود به آن‌ها نگوئیم ولی از آن‌ها کمک بخواهیم. اصلاً جور در نمی‌آمد. البته فقط بحث کمک از توان هوانیروز بوده است. به همین جهت گفته شد که در آخرین لحظه با آن‌ها در میان می‌گذاریم و از آن‌ها کمک می‌گیریم.

تأثیر روانی عملیات خیبر روی دشمن

حسین اردستانی: آقای رشید، آیا می‌توانیم تأثیر عملیات خیبر را از لحاظ استراتژی، به طور جنبی، این بدانیم که موضوع تداوم جنگ را تقویت کرد؟

سردار غلامعلی رشید: بله، تقویت کرد. ضمن آن‌که یک نکته‌ی جالب دیگر تحت عنوان تأثیرات

مهم‌ترین بازتاب عملیات، نزد رژیم عراق و فرماندهانش این باور بود که با این ابتکار و نبوغ چه باید بکنیم، چیزی که پایان ندارد و هر لحظه ما را با مسئله جدید مواجه می‌کند.

					گفتگو					
					مصاحبه با سردار سرلشکر غلامعلی رشید (بررسی عملیات خیبر)					

به وجود آمد که کل نیروهای پیاده خود را سوار قایق کنند. همان‌طور که سوار کمپرسی می‌کردند. همان‌طور که اگر نفربر به آن‌ها می‌دادی، سوار نفربر می‌کردند و می‌جنگیدند که قطعاً در ارتش‌های دیگر، این یگان‌ها باید یگان‌های ویژه‌ای باشند. یعنی می‌گویند یگان آبی - خاکی و باید بروند مخصوص این کار، یگان درست کنند. ولی این بندگان خدا از آن کوه‌های والفجر ۴ مثل ارتفاعات لری و کانی مانگا و غیره می‌آیند و یک ماه بعد سوار قایق می‌شوند و این‌جا می‌جنگند.

درک دشمن از حمله‌ی ایران در هور و واکنش متقابل

حسین اردستانی: در مقایسه با عملیات‌های ثامن‌الائمه، بیت‌المقدس و فتح‌المبین که دشمن سریع‌تر از حد انتظار شکست خورد و نتوانست مقابله‌ی جدی داشته باشد، اما در عملیات خیبر، نه تنها مقاومت زیادی کرد بلکه توانست مانع پیشروی ما شود. چه عاملی سبب ایجاد چنین تغییری در دشمن شد؟ و اساساً چرا در مقایسه با عملیات‌های قبلی، زمین انتخاب شده برای این عملیات محدودتر بود؟

سردار غلامعلی رشید: اگر عملیات‌های سابق را بررسی کنید، [مساحت منطقه] مثلاً طریق‌القدس، سه برابر ثامن‌الائمه است و فتح‌المبین مثلاً سه برابر طریق‌القدس است و بیت‌المقدس دو برابر فتح‌المبین است. این‌ها یک دلیلی دارد. دلیلش این است که دشمن آمده این زمین‌ها را اشغال کرده و جلو آمده و حفظ این زمین‌ها برایش چیه؟

حسین اردستانی: دشوار است.

سردار غلامعلی رشید: نه مسأله این است که او باید زمین آبادان را داشته باشد. باید مقابل اهواز باشد. باید در بستان باشد. به خاطر آن‌که این‌ها زمین‌هایی است که اشغال کرده و این‌ها را نباید از دست بدهد. ببینید، چرا در ثامن‌الائمه نمی‌آید در

سردار غلامعلی رشید: واقعاً نگران بودیم. احمد کاظمی در عملیات فاو این رادیو عراق را گوش می‌داد. من بارها به او می‌گفتم: «گوش نده!» می‌گفت: «آقای رشید، این‌ها چه می‌خواهند بکنند؟» می‌گفتم: «چه طور؟» گفت: «پیوسته می‌گویند که این‌جا را عنقریب می‌سوزانیم.» مثلاً این سوخو ۲۵ را می‌خواستند به کار بگیرند، پدر سوخته‌ها چنان مانور می‌دادند، می‌گفتند یک سلاحی آورده‌ایم که شما را بیچاره می‌کند.

در پاتک‌ها و تبلیغات‌شان مدام می‌گفتند: «از این‌جا جمع‌تان می‌کنیم، شماها گیر افتادید. این مثلث مرگ است.» خوب به عکسش این‌ها وقتی اراده ما را که می‌دیدند، مأیوس می‌شدند. یعنی جانوری به نام صدام بالای سرشان بوده که فرمانده‌ها را نگه‌داشته بود و الا هر کس دیگری بود، رها می‌کرد و می‌رفت.

از نکات جالب عملیات خیبر به لحاظ تاکتیکی این است که باز ما آمدیم، راه‌های تاکتیکی خاصی را ابداع کردیم. یعنی رفتن در این آب، خودش یک ابتکار بود.

نمود و ظهور خلاقیت در مهندسی سپاه در عملیات خیبر و جنگ

غیر از مسائل بالا، از جمله ویژگی‌های شاخص دیگر عملیات، حوزه‌ی مهندسی سپاه به ویژه در ساخت پل خیبر بود که واقعاً یک تحول بزرگ بود و مهندسی سپاه و مهندسی جنگ تجارب زیادی کسب کردند که می‌توانستند پل آبی - خاکی طولانی را ساخته و نصب کنند. باید به واحد مهندسی رفت و دید که چه قدر این‌ها فکرشان باز شده و چه ابتکاراتی به کار گرفتند. همچنین در بحث قایق‌ها، خوب ایجاد یگان دریایی در کل لشکرها، که اصلاً یک یگان جدیدی به نام یگان دریایی به وجود آوردند و این آمادگی در لشکرها

										سال یازدهم □ شماره چهل و سوم □ زمستان ۱۳۹۱
--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--



هویزه؛ برادر کریمی معاون لشکر ۲۷ حضرت رسول "ص"، برادر غلامعلی رشید معاون عملیات سپاه و یکی از برادران در سنگر فرماندهی قرارگاه؛ ۱۳۶۲/۱۲/۲۰

حد ده لشکر بجنگد؟ چرا در ثامن الائمه که زمینش به اندازه‌ی کربلای ۵ است. مثل زمان عملیات کربلای ۵ نمی‌جنگد؟ یک بحث این است که زمین خودش نیست و خاک ایران است که این نکته‌ای است. نکته‌ی دوم این است که او دستش بسته است. یعنی یگان‌هایی که در منطقه‌ی بیت المقدس دارد، نمی‌تواند برادر

در بیت المقدس زمین وسیع انتخاب می‌کردی، زمینی بود که چهار یا پنج لشکر در آن بود و اگر می‌خواست مثل کربلای ۵ باشد باید چهل لشکر در آن زمین می‌گذاشت. آن وقت قطعاً تو می‌توانستی یک تکه‌اش را بگیری و آن موقع فقط همین سرپل رامی گرفتی، دیگر بیشتر از این نمی‌توانستی.

آثار جانبی عملیات خیبر

حسین اردستانی: در مورد عملیات خیبر اگر بخواهیم ببینیم که کار ما بزرگ بوده یا نه، باید دید دشمنان ما چه قدر تبلیغات کردند. امام (ره) می‌فرمایند: «در این عملیات دشمن بیش از همه تبلیغات می‌کند، باید بعدها از این عملیات درس‌ها بگیرند.»

سردار غلامعلی رشید: بله! تجربه برای جنگ در دریا. در جنگ دریایی تجارب زیادی کسب کردیم که می‌شود گفت، در فاو ما واقعاً از تجارب خیبر استفاده کردیم.

حسین اردستانی: حتی در خلیج فارس هم که امریکا آمد.

که با تو بجنگند. می‌خواهم بگویم که یگان‌هایش آزاد نیستند. این حرکت که تمام می‌شود، شما می‌آیید در رمضان با او می‌جنگید و می‌بینید که اولین بار این‌جا استفاده از احتیاط قوی توسط دشمن بروز پیدا می‌کند. خوب، پس این احتیاط کجا بوده؟ چرا این احتیاط در بیت المقدس وارد عمل نشد؟ چون این احتیاط را در بیت المقدس نداشته است. بعد از رمضان وقتی در هور با او می‌جنگید، او به طور قطع و یقین می‌بیند توان شما دیگر همین است و این را در طول دو سال تجربه کرده است. یگان‌ها را پشت بی‌سیم شناخته، اطلاع پیدا کرده، احمد، مرتضی، تقی، فلان، فهمیده که این‌ها چهارده یگان‌شان این‌جا است. دیگر به طور قطع می‌داند که شما در شلمچه با او نمی‌جنگید، در فاو با او نمی‌جنگید، الان مثلاً سر از مندلی در نمی‌آوری. در نتیجه تمام توانش را می‌آورد مقابل تمام توان ما. وقتی تمام توان شما می‌آید مقابل همه‌ی توان او قرار می‌گیرد، دیگر نمی‌شود زمینی را وسیع انتخاب کرد و آن وقت گیر می‌افتی. آن موقع که می‌آمدی

دشمن (انجام عملیات را) می‌داند. می‌گفتیم خوب بداند. گور پدرش! یعنی هم ما می‌دانستیم، هم دشمن می‌دانست و هم مردم می‌دانستند. در فتح‌المبین چه کسی نمی‌دانست ما می‌خواهیم بجنگیم؟ همه زمان عملیات و زمین عملیات را می‌دانستند.

حسین اردستانی: بله، غافل‌گیری به عنوان یک اصل اساسی وارد جنگ می‌شود که پیچیده هم می‌شود. ولی در این بحث پرهیز از مواجهه با ماشین نظامی عراق. شما ببینید، ما فاو را که انتخاب می‌کنیم، دقیقاً یک الگویی از خیبر گرفته و الگوش هم این است که ما در خیبر زمینی را انتخاب کردیم که قدرت‌های دشمن، مثلاً زرهی او نمی‌تواند آن‌جا بیاید. درست است. حالا باز این‌جا نکاتی را ذکر نکرده‌ام، مثلاً تحول در آموزش، تجهیزات، انتخاب سلاح، پشتیبانی همه‌ی این‌ها از نتایج نظامی خیبر است. چون بستر جدیدی را در جنگ باز می‌کند که خلاصه باید در هر زمینه‌ای تغییرات ایجاد کرد.

سردار غلامعلی رشید: این‌ها را تحت عنوان تأثیرات تاکتیکی می‌توان مورد بررسی قرار داد.

حسین اردستانی: بله، حالا دیگر در بحث‌هایمان، اگر قرار باشد، می‌نویسم. حالا ان‌شاءالله شاید این زمینه‌ای بشود که ما اصلاً برای عملیات خیبر به عنوان یک نقطه‌ی اساسی در جنگ، سمیناری بگذاریم.

سردار غلامعلی رشید: ارزش دارد، بله. چون واقعاً در مورد خیبر و بدر، این‌طوری گفته شده که موفق نشدیم. خیلی‌ها [محاسن و تجارب] آن را طرح نکردند. مثلاً حالا در همین بحث اعطای نشان، تا می‌گویی: «خیبر!» می‌گویند: «بابا خیبر که چی؟ نشان چی به خیبر بدهیم!» یعنی آن‌هایی که نمی‌شناسند، نمی‌دانند، در قضیه نبودند، این‌قدر بی‌انصاف هستند. مثل این‌که خیبر مفتضح‌ترین عملیات بوده است. واقعاً باید از خیبر دفاع کرد.

سردار غلامعلی رشید: بله، اعتماد به نفس در فرماندهان ایجاد شد.

حسین اردستانی: این خیلی مسأله مهمی است. برای این‌که ما یکسال به نقاطی حمله کردیم که هیچ نتیجه‌ای به دست نمی‌آمد. بچه‌های ما به خصوص فرماندهان که ما می‌توانیم بگوییم از شخص فرمانده سپاه، به جز یکی دو نفر پایین‌تر، همه در این زمینه مشکل داشتند، می‌پنداشتند عجب! مثل این‌که دیگر نمی‌شود جنگید. ولی یک دفعه در این عملیات آن‌هم با چه وضعی و با آن همه مشکلات، جنگیدند و تصرف جزایر، به بچه‌ها قوت نفسی داد که گفتند ما می‌توانیم بجنگیم. یعنی این عملیات نقش مهمی در جنگ داشت.

سردار غلامعلی رشید: [بله، ضمن آن‌که] تقویت خط [تفکر] ادامه‌ی جنگ، استقامت و از جمله دست‌آوردهای دیگر داشته است.

حسین اردستانی: و آبدیده شدن یگان‌ها، که این‌هم چیز کمی نیست.

سردار غلامعلی رشید: خروج از بن‌بست که صددرصد درست است و ایجاد یک تحول.

حسین اردستانی: پرهیز از مواجهه با قدرت و ماشین نظامی عراق را هم احتمالاً باید اضافه کنیم.

سردار غلامعلی رشید: این موارد اصلاً مبنای طرح‌ریزی خیبر بود. یعنی انتخاب زمینی که دشمن نتواند از قدرت و قوت‌های خودش استفاده کند.

حسین اردستانی: خوب ما وقتی در خیبر یک زمینی را انتخاب کردیم که دشمن نتوانست از ابزارش درست استفاده کند، دیدیم که چه قدر راحت‌تر بودیم.

سردار غلامعلی رشید: پیچیده شدن؟

حسین اردستانی: پیچیده شدن غافل‌گیری. البته ما در والفجر ۸ از جهت غافل‌گیری خیلی پیچیده‌تر شدیم و میدا غافل‌گیری در جنگ هم خیبر است.

سردار غلامعلی رشید: در فتح‌المبین می‌گفتند